

چین هنوز هم حامی روسیه است

مترجم: جمیله گلکاران
منبع: آسیا تایمز



تعداد زیادی از مردم روسی نژاد را در خود جای داده‌اند و به گونه‌ای هم حیاط خلوت اختصاصی روسیه محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، بی‌طرفی این جمهوری‌ها تا حدی حاکی از نفوذ رو به رشد چین در منطقه تحت نفوذ روسیه است.

این تفاوت‌های آشکار میان روسیه و شرکایش در سازمان همکاری منطقه‌ای شانگهای (SCO) که متشکل از کشورهای روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان است، نشانه‌ی شکنندگی این سازمان می‌باشد. به عبارت دیگر، کشورهای عضو این سازمان با اینکه روی یک بالش با روسیه می‌خوابند، اما رویاهایشان متفاوت است. البته گرجستان برای تشکر از عدم مداخله چین، زمان را از دست نمی‌دهد. این ارزیابی‌ها از دید بسیاری معنادار است. آنچه که مسلم است عده‌ای معتقدند که نگرش غربی‌ها تغییر کرده است. به طوری که عمداً و یا غیر عمد از اغراق کردن در مورد خطر و یا تهدید همکاری راهبردی روسیه و چین به بزرگ کردن تفاوت‌ها و اختلافات این دو کشور روی آورده‌اند. البته این نظرات در درک غلط همکاری راهبردی

اظهار داشت که هر دو طرف باید خوددارتر باشند و حمله را متوقف کرده و با گفت‌وگو این اختلاف را حل کنند. اما پکن آشکار و صریح از مسکو حمایت نکرد.

ابهام راهبردی چین در مورد رویارویی گرجستان و روسیه که خبر تمام رسانه‌ها بود، تنها مساله بی‌طرفی این کشور نیست. بسیاری از سیاستمداران علاقه‌مندند که نظرات و سلیقه‌های متفاوت بین روسیه و چین را بزرگ کنند. به نظر می‌رسد که چین در برخورد با مساله رویارویی روسیه و گرجستان بیشتر به منافع خودش می‌اندیشد. در حالی که روسیه شرایط دشواری را در مقابل با غربی‌ها تجربه می‌کند. البته مساله تایوان نیز یکی از دلایل عمده‌ای است که چین نمی‌تواند آشکارا در این مورد از روسیه حمایت کند.

گفته می‌شود که بی‌طرفی جمهوری‌های آسیای میانه نیز به این دلیل است که بیشتر این جمهوری‌ها

اخیراً روابط روسیه و چین به دلیل برخورد میان روسیه و گرجستان بر سر اوستیای جنوبی زیر ذره بین قرار گرفته است. بسیاری از سیاستمداران غربی معتقدند که محتاط بودن چین و موضع بی‌طرفانه‌اش در قبال درگیری نظامی بین روسیه و گرجستان، بیانگر تغییر همکاری استراتژیک این کشور با روسیه است.

چنین ایده‌ای حاکی از تفسیر غلطی از روابط چین و روسیه است، آن هم بدون درک عمق، وسعت و پیچیدگی آن.

اوستیای جنوبی و ابهام راهبردی چین

صبح روز ۸ اوت سال ۲۰۰۸ (۱۸ مرداد ماه) زمانی که ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه، برای افتتاح بازی‌های المپیک تابستانی در پکن به سر می‌برد، گرجستان حمله نظامی برای تسخیر شکینوالی، مرکز اوستیای جنوبی را آغاز کرد. پوتین بلافاصله این خبر را به اطلاع ون جیابائو، همتای چینی‌اش رساند.

عکس‌العمل چین نسبت به حمله گرجستان بنا به اظهارات پوتین این جمله بود: هیچ کسی نیازمند به جنگ نیست. دقیقاً همین جمله را جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، پس از شنیدن خبر حمله گرجستان به اوستیا ادا کرد. در ضمن، چین نسبت به شدت یافتن تنش و رویارویی نظامی در اوستیای جنوبی، ابراز نگرانی کرد و

اجلاس SCO به دست نیاورد، اما به هیچ وجه این امر به معنای پایان یافتن همکاری استراتژیک با کشورهای این سازمان نیست.

در خلال ۳۰ سال گذشته، دیپلماسی چین به ویژه روابطش با روسیه، خردمندان، زیرکانه، سنجیده و کامل بوده است. ادراکات و انتظارات غرب از اینکه پکن و مسکو به سمت نوعی جدایی در حرکتند، گزاف‌ای بیش نیست. این امر نیز تا حد زیادی ناشی از تجارب غرب و عملکردش در ناتو است. به طوری که به واسطه نبود وحدت در این سازمان، اصرار بر وحدت دارد. بنابراین اعضای ناتو باید دموکرات باشند و اتحادیه اروپا باید اروپایی، مسیحی و شاید هم سفیدپوست باشد. لذا آمریکا همین نسخه را برای SCO، چین و روسیه نیز می‌پیچد.

شاید همکاری راهبردی روسیه و چین به آن محکمی و یا به آن ضعفی که به نظر می‌رسد، نباشد. اما نکته‌ی مهم این است که آیا بحران میان آمریکا و روسیه در حالی که واشنگتن ۱ میلیارد دلار به گرجستان کمک کرده و از طرفی هم ناوهای جنگی ناتو در دریای سیاه گرد هم می‌آیند و از سوی دیگر، کاندیدهای ریاست جمهوری آمریکا نیز به نکوهش روسیه و ستایش گرجستان روی آورده‌اند، گویی که فردایی در کار نیست، شکل دیگری به خود می‌گیرد؟ اگر چنین جوی ادامه یابد، صفحه جدیدی در قرن ۲۱ در جنگ‌های غربی‌ها گشوده می‌شود که مشکل اصلی نیز روسیه خواهد بود.

جدا از الگوی قابل پیش‌بینی رویکرد چین در مقابل درگیری‌ها و مشاجرات، زمان آغاز درگیری میان روسیه و گرجستان نیز برای پکن ناخوشایند بود. چین نمی‌خواست در زمان تاریخی میزبانی المپیک ۲۰۰۸ با هیچ برخوردی روبه‌رو شود، چه روسیه بخشی از این برخورد بود، چه نبود. با توجه به پیچیدگی درگیری‌های قومی که به دهه ۱۹۲۰ برمی‌گردد و از سوی دیگر، با توجه به حضور آمریکا در صحنه، عکس‌العمل هوشیارانه چین قابل پیش‌بینی بود. اگرچه چندان هم خوشایند روسیه نبود.

سازمان همکاری شانگهای چندان کمکی نمی‌کند

در جریان اجلاس سالانه SCO در ۲۸ اوت در دوشنبه مرکز تاجیکستان، اعضا در بیانیه دوشنبه از شش اصل پیشنهادی روسیه برای پایان درگیری در اوستیای جنوبی و از نقش فعال روسیه در ترویج صلح و همکاری در منطقه حمایت کردند.

دلیل بی‌طرفی SCO در عین پیچیدگی، آسان نیز هست. کشورهای آسیای مرکزی در SCO متشکل از جمهوری‌های شوروی سابق هستند و بسیاری از آنها نه همه، نمی‌خواهند که چنین درگیری در کشورشان تکرار شود. این نگرانی کشورهای آسیای میانه با توجه به اینکه SCO، چارچوبی را برای اعضای خود جهت حل اختلافات و دستیابی به اهداف مشترک امنیت و توسعه تعیین کرده، قدری نامحتمل است.

موضع SCO در ماهیت و

ساختار امنیت منطقه‌ای این گروه قرار دارد. برخلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) که اعضا ملزم به حمایت از یکدیگرند، SCO متشکل از ملی است که اعضایش سیاست‌های مورد منفعت خود را دنبال می‌کنند.

آنچه که چین انجام داد، شاید در چارچوب روابط همکاری راهبردی با روسیه منطقی بوده. شاید موضع چین درست شبیه به موضع روسیه در سناریوی درگیری چین و آمریکا در مورد تایوان بوده است. البته روسیه در همدردی با چین در موضع بی‌طرفانه‌تری نیز بود. در سال ۲۰۰۱ نیز زمانی که هواپیمای جاسوسی آمریکا (EP-3) با جت چینی (J-8II) در سواحل چین برخورد کرد و منجر به یک بحران جدی بین چین و آمریکا شد، روسیه دقیقاً همین موضع کنونی پکن را اتخاذ کرد.

درست است که روسیه آنچه را که می‌خواست از چین و

مسکو- پکن که به معنای یک رابطه عادی است، ریشه دارد و ناشی از تجارب دردناک نیمه دوم قرن بیستم است که در آن رابطه میان مسکو و پکن بین وابستگی بیش از حد چین به روسیه و تعامل صفر در نوسان بود.

آنچه که در روابط کنونی چین و روسیه حایز اهمیت است، نبود فاکتورهای ایدئولوژیکی و مشاجره مرزی است. در سطح عملیاتی، این بدان معنا است که دو طرف به روابط دوجانبه و مشارکت در حرکت به سوی پیشرفت، اهمیت زیادی می‌دهند. در سطح وظایف، یک دیدگاه واقع‌بینانه مطرح است که همان هدایت همکاری استراتژیک بین دو کشور در شرایط نبود هر گونه پیمان و تعهدنامه و نداشتن رابطه‌ی بسیار نزدیک و در نهایت نداشتن وابستگی زیاد است.

به علاوه، دو کشور تمایل دارند که ابعاد همکاری را توسعه دهند در حالی که همچنان با مدیریت مبتنی بر توجه به اختلافات و رقابت به پیش می‌روند.

در چارچوب همین روابط معمولی بدون پیمان بود که چین در برخورد نظامی میان روسیه و گرجستان، چنین موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کرد. (لازم به ذکر است که حجم تجارت دوجانبه میان دو کشور در خلال ۹ سال گذشته، سالانه به طور متوسط ۳۰ درصد رشد می‌یابد و ممکن است در سال ۲۰۰۸ به ۵۰ میلیارد دلار برسد. حجم این تبادلات دوجانبه دو کشور در خلال ژانویه تا ژوئیه ۲۰۰۸، حدود ۳۲/۳ میلیارد دلار بوده است).

در یک مفهوم وسیع‌تر، دنیای هماهنگ چین به معنای ثبات در سیستم جهانی کنونی است؛ سیستمی که غرب بر آن تسلط دارد. در واقع چین همانند غربی‌ها مایل است این ثبات و دوام سیستم کنونی ادامه یابد. چرا که منفعت زیادی برایش دربر دارد.

درگیری روسیه و گرجستان در اصل ریشه در تنش میان روسیه و آمریکا دارد. چرا که باورکردنی نیست که گرجستان کوچک، چنان جسارتی داشته باشد که بدون حمایت صریح واشنگتن به همسایه‌ی غول پیکرش عرض اندام کند.

در حقیقت واشنگتن پیش از شروع حمله نظامی گرجستان به اوستیا، از این مساله مطلع بود. چه دنیا به دوران جنگ سرد بازگردد، چه به دوران قبل از جنگ جهانی اول، روح «جنگ غربی» که با فروپاشی شوروی سابق در ۱۹۹۱ تمام شده بود، با درگیری بین روسیه و گرجستان بیدار شده است.

البته با توجه به احتمال بی‌ثباتی سیستم بین‌المللی، شاید موضع محتاطانه پکن کاملاً طبیعی باشد. بی‌طرفی پکن نسبت به درگیری روسیه و گرجستان با توجه به الگوی دیپلماسی چین از دهه ۸۰، تعجب‌آور نیست. تقریباً در همه بحران‌های جهانی (شبه جزیره کره، ایران، کشمیر و غیره) تا مشاجرات دوجانبه (دریای چین جنوبی با اتحادیه جنوب شرق آسیا، آسه آن، دریای چین شرقی با ژاپن، توافقات مرزی با روسیه، ویتنام و هند که در جریان است) چین گفت‌وگو و مصالحه را به جای درگیری و جبهه‌گیری برگزیده است.



شرکت خدمات مسافرتی
اطلس (عضو IATA)
نماد: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹.۷.۲۶
بیش از چهارده سال سابقه خدمت
IATA
حیابان سیرتامان، میدان مادر (محسنی)، حیابان شهید شاه‌نظری
پلاک ۴۱ صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵
تلفن: ۲۲۲۲۱۰۳۶ - ۲۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۷۰۰۶۲
فاکس: ۲۲۲۷۰۰۶۳